



تحلیل گفتمان انتقادی ابربحران آب در ایران: مطالعه تطبیقی سیاست‌ها و حکمرانی شبکه‌ای در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی

خلیل اله سردارنیا، امیر رئوف^۱

چکیده:

بحران آب در ایران که به یک "ابربحران" چندوجهی تبدیل شده، عمیقاً تحت تأثیر گفتمان‌های دولتی قرار دارد و پیامدهای گسترده‌ای بر امنیت و پایداری کشور داشته است. این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی گفتمان‌های دولت‌های محمود احمدی‌نژاد (۱۳۹۲-۱۳۸۴) و حسن روحانی (۱۳۹۲-۱۴۰۰) در مواجهه با این بحران، به دنبال شناسایی تفاوت‌ها و پیامدهای آن‌ها بر امنیت‌سازی و حکمرانی آب است. در این تحقیق، با افزودن مفهوم "امنیت جامعه‌بنیاد" و دیدگاه‌های پساکنپناگی به چارچوب تحلیلی، تمایز میان امنیت دولتی (حفظ حاکمیت و کنترل منابع) و امنیت جامعه‌بنیاد (حفظ هویت، معیشت و سلامت جوامع محلی) به عنوان یک نوآوری کلیدی مطرح می‌شود. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف است که با چارچوب‌های نظری امنیت‌سازی و حکمرانی شبکه‌ای تکمیل شده و به تحلیل محتوای ۵۵ سند رسمی و غیررسمی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که گفتمان دولت احمدی‌نژاد، با چارچوب "امنیتی-دفاعی" و تمرکز بر "توسعه سخت‌افزاری"، امنیت دولتی را بر امنیت جامعه‌بنیاد اولویت می‌داد. در مقابل، گفتمان دولت روحانی با رویکرد "تکنوکراتیک" و "مشارکتی"، تلاشی برای توجه به امنیت جامعه‌بنیاد داشت، اما در عمل به دلیل غلبه ساختارهای متمرکز، این امر به طور کامل محقق نشد. این پژوهش استدلال می‌کند که علی‌رغم تغییرات گفتمانی، تداوم ساختارهای ریشه‌دار سیاسی و اقتصادی مانع از شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای مؤثر و تضمین امنیت جامعه‌بنیاد شده و به تداوم تنش‌های اجتماعی دامن زده است.

واژگان اصلی: بحران آب، تحلیل گفتمان انتقادی، امنیت‌سازی، امنیت جامعه‌بنیاد، حکمرانی شبکه‌ای، دولت احمدی‌نژاد، دولت روحانی.

۱. استاد، بخش علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

kh_sardarnia@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، بخش علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

مقدمه

بحران آب، در دهه‌های اخیر، از یک مسئله محیط‌زیستی و فنی صرف فراتر رفته و به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی در مقیاس جهانی تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ایران، به دلیل قرار گرفتن در کمربند خشک و نیمه‌خشک جهان، با تشدید این بحران روبرو است؛ چالشی که نه تنها جنبه‌های زیست‌محیطی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد، بلکه به طور فزاینده‌ای ابعاد سیاسی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و منجر به بروز تنش‌ها و اعتراضات اجتماعی، به‌ویژه در مناطق دارای منابع آبی محدود شده است (برای نمونه، اعتراضات سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰). این وضعیت، فراتر از یک بحران ساده، به تعبیر برخی کارشناسان به «ابربحران» یا حتی «ورشکستگی آبی» نزدیک شده است؛ وضعیتی که زمینه‌گره خوردن و درهم‌تیدگی مسئله کم آبی با بسیاری از مسائل کشور را موجب شده است. به عبارتی تقاضا و مصرف به مراتب بیشتر از منابع آب تجدیدپذیر موجود است و ظرفیت‌های حکمرانی موجود را به چالش می‌کشد. این ابربحران، پیامدهای گسترده‌ای بر امنیت غذایی، سلامت عمومی، توسعه اقتصادی و در نهایت، ثبات و امنیت ملی کشور دارد. درک چگونگی مواجهه دولت‌ها با این بحران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که گفت‌وگوهای مسلط، نه تنها واقعیت بحران را برای سیاست‌گذاران و عموم مردم شکل می‌دهند، بلکه مسیرهای حل مسئله، تخصیص منابع و روابط قدرت میان ذی‌نفعان مختلف را نیز تعیین می‌کنند. گفت‌وگوها، با برجسته‌سازی ابعاد خاصی از یک مسئله و نادیده گرفتن ابعاد دیگر، می‌توانند به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های خاص و نادیده گرفتن صداها به حاشیه رانده شده، تبدیل شوند. از این رو، تحلیل گفت‌وگوهای دولتی در زمینه آب، گامی اساسی برای رمزگشایی از ریشه‌های ناکامی‌های مدیریتی و پیامدهای امنیتی و اجتماعی آن‌ها است. علیرغم اهمیت حیاتی مسئله آب، پژوهش‌های موجود در ایران عمدتاً بر جنبه‌های فنی، اقتصادی یا حقوقی بحران متمرکز بوده‌اند. در زمینه تحلیل گفت‌وگوها نیز، برخی مطالعات به بررسی گفت‌وگوهای زیست‌محیطی یا گفت‌وگوهای مرتبط با قوانین خاص آب پرداخته‌اند. با این حال، یک خلأ پژوهشی قابل توجه در زمینه تحلیل تطبیقی و عمیق گفت‌وگوهای دولتی در ایران وجود دارد که چگونگی بازنمایی بحران آب از منظر امنیتی-سیاسی و پیامدهای آن بر الگوهای حکمرانی را مورد کاوش قرار دهد. فقدان تحلیل‌های گفت‌وگویی تطبیقی جامع، نه تنها یک شکاف آکادمیک، بلکه یک نقطه کور حیاتی در فهم شکست‌های سیاستی مکرر در حوزه آب محسوب می‌شود.

این پژوهش، تلاش می‌کند تا این خلأ را با ترکیب نوآورانه سه چارچوب نظری - تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف (CDA)، نظریه امنیتی سازی مکتب کپنهاگ، و نظریه حکمرانی شبکه‌ای، پر کند. این ترکیب نظری صرفاً یک نوآوری نیست، بلکه پاسخی به پیچیدگی ذاتی بحران آب در ایران است. تحلیل گفتمان انتقادی به ما نشان می‌دهد که چگونه زبان برای ساختن و چارچوب‌بندی بحران و راه‌حل‌های پیشنهادی به کار گرفته می‌شود و همزمان نظریه امنیتی سازی توضیح می‌دهد که چرا و چگونه مسائل خاص (مانند کمبود آب) به سطح تهدیدات امنیتی ارتقا یافته و اقدامات اضطراری را توجیه می‌کنند و ادر این میان نظریه حکمرانی شبکه‌ای امکان ارزیابی پیامدهای این گفتمان‌ها و سیاست‌ها را بر ساختار و پویایی مشارکت ذی‌نفعان در فرآیند تصمیم‌گیری فراهم می‌آورد. این تلفیق، قدرت تبیینی عمیق‌تری برای درک پویایی‌های گفتمانی آب در ایران ارائه می‌دهد. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل تطبیقی گفتمان‌های دولت‌های محمود احمدی‌نژاد (۱۳۹۲-۱۳۸۴) و حسن روحانی (۱۴۰۰-۱۳۹۲) در مواجهه با بحران آب در ایران است. این مطالعه به دنبال شناسایی تفاوت‌های کلیدی در نحوه چارچوب‌بندی بحران، استراتژی‌های امنیتی سازی به‌کارگرفته‌شده و تأثیر این گفتمان‌ها بر شکل‌گیری الگوهای حکمرانی آب (سلسله‌مراتبی در مقابل شبکه‌ای) است.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: چگونه گفتمان‌های دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی، بحران آب را در ایران بازنمایی کرده و چه پیامدهایی بر فرایندهای امنیتی سازی و الگوهای حکمرانی آب داشته‌اند؟ در بسط پاسخ به این پرسش اصلی، پژوهش به پرسش‌های فرعی زیر می‌پردازد:

۱. گفتمان مسلط دولت احمدی‌نژاد در مواجهه با بحران آب چه ویژگی‌هایی داشت و چگونه به امنیتی سازی مسئله آب می‌پرداخت؟

۲. گفتمان مسلط دولت روحانی در مواجهه با بحران آب چه ویژگی‌هایی داشت و چگونه به امنیتی سازی مسئله آب می‌پرداخت؟

۳. تفاوت‌های گفتمانی این دو دولت در بازنمایی بحران آب چه بود و چگونه این تفاوت‌ها بر الگوهای حکمرانی (سلسله‌مراتبی/شبکه‌ای) تأثیر گذاشت؟

۴. پیامدهای امنیتی-سیاسی و اجتماعی گفتمان‌های آب در این دو دوره چه بوده است؟ یافته‌های این پژوهش، نه تنها به ادبیات تحلیل گفتمان و مطالعات امنیتی سازی در زمینه آب می‌افزاید، بلکه می‌تواند رهنمودهای ارزشمندی برای سیاست‌گذاران در جهت اتخاذ رویکردهای گفتمانی سازنده‌تر و توسعه الگوهای حکمرانی مشارکت‌جو و پایدار در آینده ارائه دهد. این مقاله در

ادامه، پس از مرور پیشینه پژوهش و تشریح مبانی نظری و چارچوب مفهومی، به روش‌شناسی، یافته‌های تفصیلی و تطبیقی و در نهایت به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها خواهد پرداخت.

پیشینه پژوهش:

مسئله بحران آب و ابعاد مختلف آن، به ویژه از منظر حکمرانی و گفتمان، در سالیان اخیر مورد توجه فزاینده پژوهشگران قرار گرفته است. مرور پیشینه پژوهش‌های مرتبط، به ما کمک می‌کند تا جایگاه دقیق مطالعه حاضر را در ادبیات علمی مشخص کرده و به نوآوری‌های آن اشاره کنیم. در این بخش، تلاش می‌شود تا پژوهش‌های پیشین را در سه حوزه اصلی دسته‌بندی کنیم: مطالعات مرتبط با بحران آب و حکمرانی آن در ایران، مطالعات امنیتی سازی در حوزه محیط زیست/آب، و تحلیل‌های گفتمانی مرتبط با سیاست‌گذاری عمومی یا آب در ایران و سایر نقاط جهان.

مطالعات مرتبط با بحران آب و حکمرانی آن در ایران: بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها در ایران به ابعاد فیزیکی و هیدرولوژیکی بحران آب پرداخته‌اند. برای مثال، مطالعاتی نظیر بابایی فینی و فرج‌زاده (۱۳۸۱) و آذرخشی و همکاران (۱۳۹۲) به تحلیل الگوهای تغییرات مکانی و زمانی بارش و پارامترهای دما در ایران پرداخته‌اند که نشان‌دهنده ابعاد طبیعی و اقلیمی این بحران است. این دسته از پژوهش‌ها، اهمیت پرداختن به ریشه‌های عمیق‌تر بحران فراتر از عوامل طبیعی را برجسته می‌کنند. در کنار این‌ها، پژوهش‌هایی نیز به جنبه‌های مدیریتی و حکمرانی آب پرداخته‌اند. برای مثال، طالبی صومعه‌سرای و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ی «ارزیابی و آسیب‌شناسی گفتمان‌های مسلط بر حکمرانی آب کشور در پنج دهه اخیر»، تلاش کرده‌اند تا با بهره‌گیری از روش‌شناسی تحلیل گفتمان، فهمی تاریخی از الگوهای حکمرانی آب در دوره‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران ارائه دهند. این پژوهش، هرچند به «گفتمان‌های مسلط بر حکمرانی آب» می‌پردازد، اما تمرکز آن بر حکمرانی آب در بازه‌های زمانی طولانی‌تر و از منظر سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری است و به طور خاص به تحلیل تطبیقی گفتمان‌های دولت‌های خاص و ارتباط مستقیم آنها با فرایند امنیتی سازی و حکمرانی شبکه‌ای در بحران آب نمی‌پردازد. بنیاد و زارع شهبادی (۲۰۲۴)، و همچنین (۱۳۹۸) در مقالاتی با عنوان «آسیب‌شناسی برنامه‌های پنجم و ششم توسعه در بخش آب» و «تحلیل گفتمان برنامه‌های اول و دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران در بخش آب»، به تحلیل گفتمان اسناد بالادستی آب در بازه‌های زمانی مختلف پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها، نگاهی به گفتمان‌های حاکم بر برنامه‌های توسعه‌ای داشته و مفاهیم مرکزی و مؤلفه‌های گفتمانی آن‌ها را بررسی کرده‌اند. هرچند این مطالعات ارزشمندند، اما هدف اصلی آن‌ها تحلیل

رویکردهای گفتمانی در اسناد برنامه‌ریزی توسعه است و نه تحلیل تطبیقی گفتمان‌های دو دولت خاص از منظر امنیتی سازی و حکمرانی شبکه‌ای به عنوان ابعاد تحلیلی مرکزی. در مطالعه ای دیگر خانیکی و موسوی (۱۳۹۸) در مقاله «بازنمایی مسئله آب ایران در روزنامه‌ها؛ تحلیل محتوای روزنامه‌های ایران، شرق، دنیای اقتصاد، و کیهان از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷»، به بررسی بازنمایی مسئله آب در رسانه‌ها پرداخته‌اند. این مطالعه از منظر «تحلیل محتوا» است و رویکرد «تحلیل گفتمان انتقادی» به معنای عمیق‌تر آن را ندارد. مطالعات جدیدتر نیز به ابعاد مختلف حکمرانی آب پرداخته‌اند.

مطالعات امنیتی سازی در حوزه محیط زیست/آب: نظریه امنیتی سازی مکتب کپنهاگ، ابزاری قدرتمند برای تحلیل چگونگی تبدیل یک مسئله (نظیر آب) از حالتی فنی یا اجتماعی به یک تهدید وجودی امنیتی است. پژوهش‌های متعددی در سطح بین‌المللی از این چارچوب برای تحلیل مسائل محیط زیست و منابع استفاده کرده‌اند. در ایران نیز، برخی پژوهش‌ها به صورت کلی به مفهوم امنیتی سازی در ابعاد سیاسی یا حتی امنیتی پرداخته‌اند، اما کمتر پژوهشی به طور اختصاصی و عمیق به امنیتی سازی مسئله آب و ارتباط آن با پیامدهای حکمرانی پرداخته است.

تحلیل‌های گفتمانی مرتبط با سیاست‌گذاری عمومی یا آب: تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به عنوان یک روش‌شناسی قدرتمند، در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی و محیط زیست کاربرد فراوانی یافته است. در ایران، پژوهش‌هایی از این روش برای تحلیل مسائل مختلفی استفاده شده است. صالحی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل گفتمان زیست محیطی برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران»، به بررسی گفتمان‌های زیست محیطی در اسناد برنامه‌ریزی پرداخته‌اند که نشان‌دهنده پتانسیل این روش در تحلیل مسائل کلان محیط زیست است. ملکی و همکاران (۱۴۰۱) نیز در «تحلیل گفتمان قانون توزیع عادلانه آب در ایران»، به بررسی گفتمان‌های نهفته در متون قانونی پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها گام‌های مهمی در تحلیل گفتمان‌های مرتبط با مسائل زیست محیطی/آب در ایران برداشته‌اند. با این حال، هیچ یک از این مطالعات، به طور تطبیقی و متمرکز بر گفتمان‌های دو دولت پیاپی در مواجهه با بحران آب، با تأکید بر فرایندهای امنیتی سازی و پیامدهای آن بر الگوهای حکمرانی شبکه‌ای (به‌ویژه با تلفیق این سه چارچوب) نپرداخته‌اند.

جمع‌بندی خلأ پژوهشی و نوآوری مطالعه حاضر: بر اساس مرور جامع ادبیات، مشخص می‌شود که هرچند پژوهش‌های متعددی در زمینه آب، حکمرانی آب، امنیتی سازی و تحلیل گفتمان انجام شده‌اند، اما یک خلأ مشخص در تحلیل تطبیقی و جامع گفتمان‌های دولتی ایران پیرامون بحران

آب از منظر امنیتی سازی و حکمرانی شبکه‌ای وجود دارد. مطالعات پیشین، یا به صورت مجزا به ابعاد فنی، اجتماعی، یا گفتمانی پرداخته‌اند یا تحلیل‌های گفتمانی آن‌ها بر اسناد کلی‌تر (مانند برنامه‌های توسعه) متمرکز بوده و کمتر به مقایسه عمیق گفتمان‌های دو دولت خاص با رویکرد امنیتی سازی و حکمرانی شبکه‌ای پرداخته‌اند. به عبارتی:

- فقدان رویکرد تطبیقی جامع: پژوهش‌های موجود کمتر به مقایسه سیستماتیک گفتمان‌های دو دولت پیاپی در یک بازه زمانی خاص (دولت احمدی‌نژاد و روحانی) پرداخته‌اند تا تغییرات و تداوم‌های گفتمانی را آشکار کنند.
- خلأ در تلفیق نظری: اکثر پژوهش‌ها به صورت تک‌نظری یا نهایتاً با ترکیب دو نظریه محدود عمل کرده‌اند. این پژوهش، با تلفیق نوآورانه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، نظریه امنیتی سازی مکتب کپنهاگ (بوزان) و نظریه حکمرانی شبکه‌ای (پرووان و کنیس)، تلاش می‌کند تا یک مدل تحلیلی جامع‌تر و قدرتمندتر برای درک پیچیدگی‌های گفتمان آب ارائه دهد. این ترکیب، به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا فراتر از تحلیل صرف متن، به چگونگی بازنمایی امنیتی یک مسئله و پیامدهای آن بر ساختار و پویایی‌های حکمرانی بپردازد.
- تمرکز ناکافی بر پیامدهای حکمرانی: در حالی که برخی پژوهش‌ها به حکمرانی آب پرداخته‌اند، ارتباط مستقیم میان شکل گفتمان‌پردازی (به ویژه از منظر امنیتی سازی) و نوع الگوی حکمرانی شکل گرفته یا ناکام‌مانده (سلسله‌مراتبی، شبکه‌ای، مشارکتی و...) کمتر مورد کاوش قرار گرفته است.

مبانی نظری و چارچوب مفهومی:

در پژوهش‌های کیفی، نظریه نقش بنیادین و چندوجهی ایفا می‌کند و به عنوان یک «عدسی تحلیلی» عمل می‌کند که به پژوهشگر کمک می‌کند تا پدیده‌های اجتماعی را درک، تفسیر و تبیین کند. پژوهش حاضر، با هدف تحلیل گفتمان بحران آب در ایران و بررسی پیامدهای آن بر حکمرانی و امنیت، به صورت خلاقانه سه چارچوب نظری اصلی را تلفیق می‌کند: تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، نظریه امنیتی سازی مکتب کپنهاگ، و نظریه حکمرانی شبکه‌ای. این تلفیق نه تنها به فهم

¹ Analytical Lens

عمیق‌تر ابعاد گفتمانی بحران آب کمک می‌کند، بلکه ارتباط تنگاتنگ آن را با فرایندهای امنیتی سازی و الگوهای حکمرانی روشن می‌سازد.

تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف: تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان را نه صرفاً به عنوان استفاده از زبان، بلکه به مثابه شکلی از «عمل اجتماعی»^۱ تعریف می‌کند که همزمان هم توسط ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد و هم به بازتولید یا دگرگون ساختن آن‌ها یاری می‌رساند. مدل سه‌بعدی فرکلاف ابزاری جامع برای این تحلیل ارائه می‌دهد:

- سطح متن^۲: این سطح به تحلیل ویژگی‌های زبانی و ساختاری خود متن می‌پردازد. شامل انتخاب‌های واژگانی (مانند «موهبت الهی»، «تهدید حیاتی»، «جهاد آبی»)، ساختارهای گرامری، استعاره‌ها، شیوه‌های استدلال، و راه‌های ارجاع به افراد یا پدیده‌ها است.
- سطح کنش گفتمانی^۳: این بعد به فرایند تولید و مصرف^۴ متن می‌پردازد. شامل بررسی نحوه تولید متن (سخنرانی رسمی، گزارش وزارت نیرو)، نقش تولیدکنندگان و منافع احتمالی آن‌ها، مخاطبان اصلی و بافت ارائه متن (مثلاً در واکنش به اعتراضات اجتماعی) است.
- سطح کنش اجتماعی/بافت اجتماعی^۵: این بعد، گفتمان را در بافت وسیع‌تر اجتماعی-سیاسی و ایدئولوژیک خود قرار می‌دهد و به بررسی چگونگی بازتولید یا دگرگون‌سازی ساختارهای اجتماعی، روابط قدرت، هویت‌ها و ایدئولوژی‌های مسلط از طریق گفتمان می‌پردازد. این سطح به طور مستقیم با مفاهیم امنیتی سازی و حکمرانی شبکه‌ای پیوند می‌خورد.

نظریه امنیتی سازی^۶ مکتب کپنهاگ: نظریه امنیتی سازی، امنیت را یک «ساختار اجتماعی و گفتمانی» می‌داند. یک مسئله (نظیر آب) از طریق یک «کنش گفتاری»^۷ توسط یک «فاعل امنیت‌ساز»، از حوزه سیاست عادی خارج شده و به یک «تهدید وجودی» برای یک «شیء ارجاعی» معرفی می‌شود،

¹ Critical Discourse Analysis - CDA

² Social Practice

³ Text

⁴ Discourse Practice

⁵ production

⁶ consumption

⁷ Social Practice/Sociocultural Practice

⁸ Securitization Theory

⁹ Speech Act

که اقدامات اضطراری را توجیه می‌کند. عناصر کلیدی عبارتند از: ۱-فاعل امنیت‌ساز؛ نهاد یا فردی که مسئله را امنیتی می‌کند (مثلاً رئیس‌جمهور، وزیر نیرو). ۲-موضوع تهدید وجودی؛ آنچه به عنوان تهدیدی برای بقای شیء ارجاعی معرفی می‌شود (مثلاً کمبود آب، خشکسالی). ۳-شیء ارجاعی؛ چیزی که بقای آن در خطر است (مثلاً «امنیت ملی»، «حیات مردم»). ۴-کنش گفتاری؛ فعلی که از طریق زبان انجام می‌شود و مسئله را امنیتی می‌کند (مثلاً سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها با عباراتی چون «تهدید امنیتی»، «بحران وجودی»). ۵-مخاطب؛ گروهی که باید کنش گفتاری را بپذیرند. ۶-اقدامات اضطراری؛ اقداماتی که به دلیل امنیتی شدن مسئله توجیه می‌شوند (مثلاً پروژه‌های عظیم سدسازی). بحران آب می‌تواند به شیوه‌های مختلفی چون تهدید نرم (تأثیر بر انسجام اجتماعی)، تهدید سخت (درگیری بر سر منابع)، تهدید روانی و رسانه‌ای (ایجاد هراس عمومی) و تهدید نیمه‌سخت اقتصادی (آسیب به کشاورزی و صنعت) چارچوب‌بندی شود و این ابعاد متنوع تهدید، در تحلیل امنیتی سازی مورد توجه قرار می‌گیرند. در مطالعات پساکنه‌نگاری، به ارتباط شناختی سیاست‌گذاران با ابعاد جدید بحران‌ها و امنیت‌ها نیز توجه می‌شود، که نشان‌دهنده لزوم روزآمدسازی فهم از تهدیدهاست.

نظریه حکمرانی شبکه‌ای^۱: حکمرانی شبکه‌ای، الگویی از حکمرانی را توصیف می‌کند که در آن مجموعه‌ای از بازیگران مستقل (دولتی، خصوصی، جامعه مدنی، دانشگاهیان) برای دستیابی به اهداف مشترک، از طریق روابط افقی و غیرسلسله‌مراتبی با یکدیگر همکاری می‌کنند. این نظریه در تضاد با الگوهای سنتی حکمرانی سلسله‌مراتبی قرار می‌گیرد.

چارچوب مفهومی یکپارچه پژوهش:

پژوهش حاضر با تلفیق این سه چارچوب نظری، یک مدل تحلیلی سه مرحله‌ای و تعاملی را دنبال می‌کند: ۱. تحلیل گفتمان انتقادی (CDA): تحلیل عمیق گفتمان‌های دولتی احمدی‌نژاد و روحانی درباره بحران آب در سه سطح متن، کنش گفتمانی و بافت اجتماعی. ۲. شناسایی فرایند امنیتی

¹ Securitized Actor

² Existential Threat

³ Referent Object

⁴ Audience

⁵ Emergency Measures

⁶ Network Governance Theory

سازی: شناسایی چگونگی اقدام هر دولت به امنیتی سازی مسئله آب، شامل شناسایی فاعل امنیت‌ساز، شیء ارجاعی، تهدید وجودی، و کنش گفتاری. ۳. مبررسی پیامدهای حکمرانی: تحلیل پیامدهای گفتمان‌های امنیتی‌شده بر الگوهای حکمرانی آب (سلسله‌مراتبی در مقابل شبکه‌ای)، تأثیر بر بسترهای فکری، فیزیکی و نهادی، و فرصت‌ها یا موانع برای حوزه عمومی و عاملیت شهروندان.

این چارچوب مفهومی یکپارچه، امکان بررسی جامع و سیستماتیک روابط میان زبان، قدرت، امنیت و حکمرانی را در بحران آب ایران فراهم می‌آورد. جدول ۳ (که در ادامه ارائه خواهد شد) به تفصیل نحوه کاربست مفاهیم کلیدی این نظریه‌ها را در تحلیل گفتمان‌های آبی دو دولت نشان می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش:

این پژوهش از رویکرد «کیفی» بهره می‌گیرد که به دنبال درک عمیق، تفسیر و تبیین پدیده‌های اجتماعی در بستر طبیعی آن‌ها است. انتخاب روش کیفی برای تحلیل گفتمان بحران آب در ایران از آن جهت ضروری است که گفتمان‌ها پدیده‌هایی پیچیده، پویا و زمینه‌مند هستند که نیازمند رویکردی تفسیری و استقرایی برای کشف معانی پنهان، روابط قدرت و سازوکارهای اجتماعی هستند. در این پژوهش، از «تحلیل گفتمان انتقادی» با تکیه بر مدل سه‌بعدی نورمن فرکلاف به عنوان روش اصلی تحلیل استفاده می‌شود. طراحی پژوهش حاضر، یک «مطالعه تطبیقی» است که به مقایسه گفتمان‌های بحران آب در دو دوره زمانی مشخص (دولت‌های محمود احمدی‌نژاد: ۱۳۹۲-۱۳۸۴ و حسن روحانی: ۱۴۰۰-۱۳۹۲) می‌پردازد. هدف از این مقایسه، شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در نحوه بازنمایی بحران آب، فرایندهای امنیتی سازی مرتبط و تأثیر آن‌ها بر الگوهای حکمرانی شبکه‌ای در دو دولت است.

جامعه آماری و نمونه‌گیری:

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد رسمی، سخنرانی‌ها و گزارش‌های مرتبط با مدیریت و بحران آب در دوران دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی است. با توجه به ماهیت کیفی و هدف پژوهش، از روش «نمونه‌گیری هدفمند»^۲ استفاده شده است. ملاک‌های انتخاب اسناد عبارتند از: اصالت و اعتبار سند، پوشش زمانی، مرتبط بودن با موضوع آب، و تنوع موضوعی و محتوایی. بر اساس این ملاک‌ها،

¹ Comparative Study

² Purposive Sampling

۴۰ سند (۲۰ سند از هر دوره) برای تحلیل انتخاب شده‌اند. این اسناد شامل سخنرانی‌های مهم رؤسای جمهور و وزرای نیرو، گزارش‌های سالانه و دوره‌ای وزارت نیرو، بندهای مربوط به آب در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور (مانند برنامه‌های پنجم و ششم توسعه)، و اخبار و گزارش‌های خبرگزاری‌های رسمی (ایرنا و ایسنا و صداوسیما) که منعکس‌کننده مواضع رسمی دولت در قبال بحران آب و اعتراضات مرتبط با آن هستند. انتخاب این ترکیب از اسناد، امکان بررسی جامع گفتمان رسمی دولتی را در سطوح مختلف (از بیانات عالی‌ترین مقامات تا اسناد برنامه‌ای و واکنش‌های رسانه‌ای) فراهم می‌کند و به توازن در پوشش هر دو دوره کمک می‌کند. معیارهای انتخاب اسناد به شرح زیر است: ۱- اصلت: اسناد از منابع رسمی با تأیید صحت (مانند وبسایت‌های دولتی) انتخاب شدند. ۲- پوشش: اسناد به سیاست‌های مدیریت آب، امنیت‌سازی، یا حکمرانی شبکه‌ای اشاره داشتند. ۳- تنوع: اسناد از سطوح مختلف تصمیم‌گیری (وزارت نیرو، شورای عالی آب، سخنگویان دولت) انتخاب شدند. برای گنجاندن دیدگاه‌های غیردولتی، ۱۵ سند غیررسمی (بیانیه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، گزارش‌های خبری از رسانه‌های مستقل، و پست‌های شبکه‌های اجتماعی) تحلیل شدند (جزئیات در پیوست). این اسناد با نمونه‌گیری هدفمند بر اساس معیارهای زیر انتخاب شدند: ۱- پوشش موضوع بحران آب. ۲- نمایندگی دیدگاه‌های جامعه مدنی، رسانه‌ها، یا جوامع محلی. ۳- دسترسی عمومی و تأیید صحت منبع (مانند آرشیوهای دیجیتال رسانه‌ها).

ابزار جمع‌آوری داده:

ابزار جمع‌آوری داده در این پژوهش، خود اسناد منتخب هستند. اسناد از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی رسمی و آرشیوهای اسناد دولتی گردآوری شده‌اند.

روش تحلیل داده:

روش اصلی تحلیل داده‌ها، «تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف است. فرایند تحلیل به صورت تکرارشونده و در سه سطح مرتبط با یکدیگر انجام شده است: ۱- سطح متن: شناسایی واژگان کلیدی، استعاره‌ها، ساختار جملات، شیوه‌های استدلال، و حذف و برجسته‌سازی. ۲- سطح کنش گفتمانی^۱:

¹ Textual Analysis

² Discourse Practice Analysis

بررسی بافت تولید، بافت مصرف و دریافت، و هم‌متنی. ۳- سطح کنش اجتماعی/بافت اجتماعی؛ تحلیل چگونگی بازتولید یا چالش کشیدن روابط قدرت، ایدئولوژی‌های زیربنایی، و هویت‌سازی. در این مرحله، یافته‌های تحلیل گفتمان با چارچوب‌های امنیتی سازی و حکمرانی شبکه‌ای پیوند داده می‌شوند. برای سازماندهی، کدگذاری و تحلیل داده‌های کیفی، از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است. فرآیند کدگذاری شامل سه مرحله بود: ۱- کدگذاری باز: شناسایی مضامین اولیه (امنیت‌سازی، استعاره‌های نظامی، همکاری بین‌المللی. ۲- کدگذاری محوری: سازماندهی مضامین در سه سطح تحلیل گفتمان فرکلاف ۳- کدگذاری انتخابی: تطبیق مضامین با چارچوب نظری (امنیت‌سازی و حکمرانی شبکه‌ای). در نهایت مضامین کلیدی استخراج و در جدولی خلاصه شدند. یافته‌ها با تحلیل گفتمان‌های دولتی (از مقاله اصلی) مقایسه شدند تا دیدگاه‌های غیردولتی به‌طور جامع ارائه شوند.

اعتبار و پایایی: در این پژوهش اعتبار^۲ از طریق کنترل توسط متخصصان حوزه آب، علوم سیاسیو علوم اجتماعی، مثلث‌سازی داده‌ای (استفاده از اسناد متنوع)، مثلث‌سازی نظری (تلفیق سه نظریه)، و توصیف غنی یافته‌ها تضمین شده است. برای اطمینان، دو کدگذار مستقل ۲۰ درصد اسناد را کدگذاری کردند. ضریب توافق کاپا^۳ 0.82 به دست آمد، که نشان‌دهنده توافق بالا است. اختلافات از طریق بحث بین کدگذارها رفع شد. برای کاهش تعصبات، پروتکل کدگذاری استاندارد و بازنگری توسط یک متخصص خارجی اعمال شد. همچنین پایایی^۴ از طریق ایجاد مسیر حسابرسی شفاف و بازبینی مکرر کدها و تحلیل‌ها توسط پژوهشگر اصلی برای حصول اطمینان از ثبات در فرایند کدگذاری، تأمین شده است.

یافته‌های پژوهش: گفتمان مدیریت بحران آب در دولت احمدی‌نژاد (۱۳۹۲-۱۳۸۴):

گفتمان دولت احمدی‌نژاد در قبال بحران آب، به‌طور شاخص، بر پایه‌ی یک رویکرد امنیتی-ژئوپلیتیکی، توسعه‌گرایی هیدرولوژیکی سخت‌افزاری و تمرکزگرایی شدید دولتی استوار بود. در این دوره، بحران آب نه صرفاً یک چالش محیط‌زیستی یا مدیریتی، بلکه به مثابه یک «تهدید وجودی» برای

¹ Sociocultural Practice Analysis

² Credibility

³ Cohen's Kappa

⁴ Dependability

«امنیت ملی»، «استقلال سرزمینی» و «حیات ملت» بازنمایی شد که مستلزم «اقدامات انقلابی» و «جهادی» از سوی دولت مرکزی است.

تحلیل سطح متن: الف) واژگان و استعاره‌های مسلط: ۱- «جهاد آبی» و «جنگ آب»: این استعاره‌ها به کرات در سخنرانی‌های مقامات، به‌ویژه رئیس‌جمهور، مورد استفاده قرار گرفتند. کاربرد واژه «جهاد»، مسئله آب را به یک «نبرد مقدس» یا «مبارزه‌ای سرنوشت‌ساز» در برابر «دشمن» (خشکسالی، دشمنان خارجی) ارتقا می‌داد و به دنبال بسیج عمومی و مشروعیت‌بخشی به اقدامات رادیکال دولتی بود. ۲- «تهدید وجودی» / «بحران حیاتی»: آب به عنوان «بنیان حیات» و «اصلی‌ترین عنصر امنیت ملی» معرفی می‌شد، که امکان وارد کردن موضوع آب به حوزه «امنیت ملی» را فراهم می‌آورد. ۳- «خودکفایی ملی» / «استقلال آبی»: پروژه‌های توسعه‌ای (به‌ویژه سدسازی) برای دستیابی به «خودکفایی» و «استقلال ملی» توجیه می‌شدند و با شعارهای ملی‌گرایانه دولت همخوانی داشتند. ۴- «موهبت الهی» / «امانت الهی»: به اقدامات دولتی مشروعیت قدسی می‌بخشید. ۵- «سوءاستفاده کنندگان» / «متجاوزان»: برای توصیف گروه‌هایی که از آب به صورت «غیرقانونی» استفاده می‌کردند، به کار می‌رفت و فضایی دوقطبی ایجاد می‌کرد.

ب) ساختار جملات و نحوه ارجاع به عاملان: ۱- تمرکز بر فاعل «دولت» و «وزارت نیرو»: دولت به عنوان کنشگر اصلی و مقتدر در حل بحران آب معرفی می‌شد. ۲- حذف یا کم‌رنگ شدن فاعل «مردم» و «ذی‌نفعان»: نقش گروه‌های اجتماعی در گفتمان دولتی به شدت کم‌رنگ بود و از آن‌ها انتظار همکاری در «جهاد آبی» یا اجرای دستورالعمل‌های دولتی می‌رفت. ۳- استفاده از افعال با بار دستوری قوی: افعالی نظیر «باید بسازیم»، «خواهیم کرد» نشان‌دهنده قاطعیت دولت بود.

ج) شیوه‌های استدلال و توجیه: ۱- استدلال بر اساس ضرورت امنیتی-ژئوپلیتیکی: آب به مثابه «کالای راهبردی» و «مولفه امنیتی» مطرح می‌شد که توجیه‌گر پروژه‌های عظیم بدون ارزیابی‌های جامع بود. ۲- استدلال بر اساس توسعه و سازندگی: پروژه‌های آبی نماد پیشرفت و اقتدار ملی معرفی می‌شدند و «توسعه سدسازی» مترادف با «توسعه کشور» بود. ۳- استدلال بر اساس «حق» و «توزیع عادلانه» (با نگاه از بالا به پایین): «حق» بیشتر به «حق دسترسی» تقلیل می‌یافت تا «حق مشارکت در تصمیم‌گیری».

تحلیل سطح کنش گفتمانی: الف) بافت تولید گفتمان: عمدتاً در سخنرانی‌های عمومی و هیجانی رئیس‌جمهور، جلسات هیأت دولت و گزارش‌های رسمی نهادهای دولتی تولید می‌شد. ب) بافت

مصرف و دریافت: مخاطبان اصلی، عموم مردم (جهت بسیج و جلب حمایت)، کارشناسان و مسئولان داخلی (جهت توجیه و هماهنگی) و افکار عمومی بین‌المللی (جهت نمایش اقتدار) بودند. ج) هم‌متنی: گفتمان آب با گفتمان‌های کلان‌تر دولت نظیر «عدالت‌گستری»، «مقاومت» و «توسعه‌گرایی جهادی» پیوند داشت. این پیوندها در اسناد برنامه‌ای مانند برنامه پنجم توسعه نیز مشهود بود.

تحلیل سطح کنش اجتماعی/بافت اجتماعی و پیوند با امنیتی سازی و حکمرانی: الف) امنیتی

سازی^۲ بحران آب: ۱-فاعل امنیت‌ساز: دولت مرکزی، به‌ویژه رئیس‌جمهور و وزیرای کلیدی. ۲-شئیء ارجاعی: «امنیت ملی»، «حاکمیت سرزمینی»، «حیات مردم ایران» و «استقلال کشور». ۳-تهدید وجودی: خشکسالی، کمبود آب و گاه «دسیسه‌های خارجی». ۴-کنش گفتاری: استفاده مکرر از واژگان و استعاره‌های امنیتی («جهاد آبی»، «تهدید حیاتی») نشان‌دهنده تلاش برای «امنیتی سازی» مسئله آب بود. ۵-پیامدها بر سیاست‌گذاری: اولویت یافتن پروژه‌های بزرگ سخت‌افزاری (سدسازی مانند سد گنوند و انتقال آب)، نادیده گرفتن پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی و توجیه عدم شفافیت. اعتراضات محلی به عنوان «اخلال در امنیت» تلقی می‌شدند.

ب) حکمرانی^۳ و پیامدهای آن بر حکمرانی شبکه‌ای: ۱-اغلبه حکمرانی سلسله‌مراتبی و دولت‌محور: گفتمان امنیتی-ملی‌گرایانه به تقویت الگوی حکمرانی سلسله‌مراتبی کمک کرد. ۲-ضعف بسترسازی فکری برای مشارکت واقعی: بازنمایی مسئله به عنوان «تهدید امنیتی» و نقش قهرمانانه دولت، بستر مشارکت جامعه مدنی و ذی‌نفعان محلی را فراهم نکرد. ۳-عدم شکل‌گیری شبکه‌های تصمیم و سیاست‌مشارکتی: تصمیم‌گیری‌ها عمدتاً از بالا به پایین و در داخل نهادهای دولتی انجام می‌شد. ۴-تضعیف حوزه عمومی و خرددموکراتیک: فرایند امنیتی‌سازی، فضای نقد و گفت‌وگوی عمومی درباره سیاست‌های آب را محدود کرد. ۵-نادیده گرفتن عاملیت افکار عمومی و اعتراضات: اعتراضات محلی غالباً به عنوان «مسائل امنیتی» یا «اخلال‌گری» تفسیر می‌شدند.

خلاصه گفتمان دولت احمدی‌نژاد: گفتمان دولت احمدی‌نژاد در قبال بحران آب، یک گفتمان مهندسی‌محور، امنیتی‌شده، ملی‌گرایانه و شدیداً تمرکزگرا بود. این گفتمان، به تقویت حکمرانی سلسله‌مراتبی و به حاشیه راندن مشارکت مردمی انجامید.

¹ Intertextuality

² Securization

³ Governance

گفتمان مدیریت بحران آب در دولت روحانی (۱۴۰۰-۱۳۹۲): گفتمان دولت حسن روحانی

در مواجهه با بحران آب، در مقایسه با دولت پیشین، با تغییرات محسوسی همراه بود. این گفتمان بیشتر بر رویکرد تکنوکراتیک، مدیریت یکپارچه حوضه‌های آبریز، و تمرکز بر ابعاد نرم‌افزاری تأکید داشت، اما در عمل، همچنان با چالش‌های ساختاری و ابعاد امنیتی و سلسله‌مراتبی دست و پنجه نرم می‌کرد. یکی از نمودهای بارز این تغییر گفتمانی، تمرکز بر احیای دریاچه ارومیه به عنوان یک وعده انتخاباتی و اولویت زیست‌محیطی بود.

تحلیل سطح متن: الف) واژگان و استعاره‌های مسلط: ۱- «مدیریت یکپارچه حوضه‌های آبریز»:

این مفهوم به یکی از کلیدواژه‌های اصلی تبدیل شد و نشانه‌ای از حرکت به سمت یک رویکرد سیستماتیک و جامع‌تر بود. ۲- «مدیریت تقاضا» / «مصرف بهینه»: برخلاف تمرکز دولت پیشین بر افزایش عرضه، گفتمان دولت روحانی بر ضرورت کنترل و بهینه‌سازی مصرف آب تأکید داشت. ۳- «دانش‌بنیان» / «تکنوکراتیک»: تأکید بر استفاده از «دانش روز» و «رویکردهای علمی» برای حل بحران آب، ویژگی بارز این گفتمان بود. ۴- «تغییر اقلیم» / «خشکسالی»: اشاره به پدیده‌های اقلیمی به عنوان عامل تشدیدکننده بحران آب، پررنگ‌تر شد. ۵- «شفافیت» و «نظارت»: بر لزوم شفافیت در مدیریت منابع آبی و افزایش نظارت بر مصرف‌کنندگان تأکید می‌شد. ۵- «بازسازی اعتماد» / «تعامل»: در واکنش به اعتراضات اجتماعی مرتبط با آب، گفتمان دولت به سمت «بازسازی اعتماد عمومی» و «تعامل» با ذی‌نفعان سوق یافت.

ب) ساختار جملات و نحوه ارجاع به عاملان: ۱- فعل معلوم با فاعل «دولت» و «کارشناسان»: «دولت» همچنان نقش اصلی را داشت، اما فاعل «کارشناسان» نیز پررنگ‌تر شد. ۲- «ذی‌نفعان» و «مردم» به عنوان فاعل همکار (اما نه تصمیم‌گیرنده): از «مشارکت ذی‌نفعان» سخن به میان می‌آمد، اما نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری محدود بود. ۳- استفاده از جملات شرطی و توصیفی: در مقایسه با لحن قاطع دولت پیشین، جملات توصیفی‌تر و گاهی شرطی بیشتر دیده می‌شود.

ج) شیوه‌های استدلال و توجیه: ۱- استدلال بر اساس ضرورت علمی و فنی: اصلی‌ترین شیوه استدلال، معرفی بحران آب به عنوان یک مسئله پیچیده علمی و فنی بود. ۲- استدلال بر اساس «محدودیت منابع» و «تغییر اقلیم»: توجیه سیاست‌های جدید بر این مبنا بود که ایران درگیر

¹ IWRM

خشکسالی‌های بلندمدت است. ۳- استدلال بر اساس «عدالت» (با تأکید بر مدیریت تقاضا): عدالت بیشتر به معنای «توزیع عادلانه آب موجود» و «مقابله با مصارف غیرمجاز» تعریف می‌شد.

تحلیل سطح کنش گفتمانی: الف) مکان‌های تولید گفتمان: علاوه بر سخنرانی‌های ریاست جمهوری، نشست‌های تخصصی با دانشگاهیان و متخصصان آب، کنفرانس‌های علمی و کمیته‌های کارشناسی وزارت نیرو نقش پررنگ‌تری داشتند. ب) بافت مصرف و دریافت: مخاطبان شامل کارشناسان، بخش خصوصی، و عموم مردم بودند. تلاش می‌شد با زبان علمی و آمار، ضرورت تغییر رویکردها را بقبولاند. ج) هم‌متنی: گفتمان آب با گفتمان‌های کلان‌تر «اعتدال»، «عقلانیت» و «دیپلماسی» در هم تنیده بود. کمتر به «دشمن خارجی» اشاره می‌شد و بیشتر بر «مدیریت داخلی» تأکید می‌گردید. این گفتمان همچنین متأثر از اسناد بالادستی مانند برنامه ششم توسعه بود.

تحلیل سطح کنش اجتماعی/بافت اجتماعی و پیوند با امنیتی سازی و حکمرانی: الف) امنیتی سازی بحران آب: ۱- فاعل امنیت‌ساز: همچنان دولت مرکزی، اما با تأکید بیشتر بر نقش وزارت نیرو و سازمان حفاظت محیط زیست. تلاش برای تغییر امنیتی سازی از «هویتی-ساز» به «تکنوکراتیک-مدیریتی». ۲- شیء ارجاعی: «پایداری زیست‌محیطی»، «معیشت مردم»، «توسعه پایدار» و «ثبات اجتماعی». «امنیت ملی» کمتر صریح بود. ۳- تهدید وجودی: «خشکسالی»، «تغییر اقلیم»، «مصرف بی‌رویه» و «سوءمدیریت گذشته». «دشمن خارجی» کمتر عامل اصلی بود. ۴- کنش‌گفتاری: بیشتر بر مبنای «اخطار» و «فراخوان به اصلاح» بود تا «بسیج جهادی». ۵- پیامدها بر سیاست‌گذاری: توقف یا بازنگری در برخی پروژه‌های انتقال آب، تمرکز بر مدیریت تقاضا. مقاومت‌های ساختاری اجرای کامل را دشوار ساخت. امنیتی سازی ضمنی همچنان به دولت اجازه می‌داد تصمیمات را با اولویت «منافع ملی» اتخاذ کند.

ب) حکمرانی و پیامدهای آن بر حکمرانی شبکه‌ای: ۱- حرکت به سمت حکمرانی مشارکتی (اما محدود): ایجاد یا تقویت «شوراهای حوضه‌های آبریز» و «کمیته‌های سازگاری با کم‌آبی». اما در عمل، مشارکت اغلب «ظاهری و مشورتی» باقی ماند و قدرت نهایی در دست دولت بود. این نشان‌دهنده چالش در عملیاتی کردن واقعی اصول حکمرانی شبکه‌ای است، جایی که «تصمیم‌گیری نهایی با دولت است» حتی در ساختارهای ظاهراً مشارکتی. ۲- تغییر در بسترسازی فکری برای مشارکت: تلاش برای فراهم آوردن بستر فکری برای پذیرش مشارکت کارشناسی از طریق تأکید بر پیچیدگی‌های علمی بحران. ۳- شکل‌گیری محدود شبکه‌های تصمیم و سیاست: تلاش‌هایی برای «گفت‌وگو» و «همکاری»

بین‌بخشی صورت گرفت، اما این شبکه‌ها نتوانستند بر الگوهای حکمرانی سلسله‌مراتبی غلبه کنند. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نیز به «عدم هماهنگی نهادها» و «غالب‌بودن تفکر سازه‌ای» اشاره دارد که موانعی برای حکمرانی شبکه‌ای مؤثر هستند. ۴- توجه به حوزه عمومی و افزایش فشار اجتماعی: اعتراضات اجتماعی مرتبط با آب در این دوره، بیش از پیش به گفتمان دولتی راه یافت و دولت تلاش کرد با «گفت‌وگو» به آن‌ها پاسخ دهد. ۵- چالش‌های عاملیت در مواجهه با اعتراضات: دولت با چالش جدی «عاملیت‌های متکثر» و «خواسته‌های متناقض» در حوزه آب مواجه بود. ۶- میراث به جا مانده از سیاست‌های سخت‌افزاری و پروژه‌های عظیم دوران احمدی‌نژاد، مانند سدهای متعدد و پروژه‌های انتقال آب، یک وابستگی مسیری‌قوی ایجاد کرده بود.

خلاصه گفتمان دولت روحانی: گفتمان دولت روحانی، تکنوکراتیک، با گرایش به توسعه پایدار (در مقایسه با دوره قبل) و با تمایل به مشارکت و مدیریت یکپارچه بود. این گفتمان به تطبیف فرایند امنیتی سازی و زمینه حرکت به سمت حکمرانی مشارکتی (هرچند محدود) شد. با این حال، چالش‌های نهادی و ساختاری مانع از تحقق کامل اهداف این گفتمان گردید.

گفتمان غیردولتی / غیررسمی: برای مقایسه گفتمانی لازم بود که گفتمان‌های غیردولتی و غیررسمی هم تحلیل شود. هرچند به دلیل محدودیت‌های تحقیق امکان دسترسی به بیانیه‌ها و گفتمان‌های تشکل‌های زیست محیطی و مردمی در دولت احمدی‌نژاد برای نگارندگان سخت‌تر بود. برای تحلیل گفتمان غیردولتی ۱۵ سند غیررسمی تحلیل شد که مضامین کلیدی زیر را آشکار کرد: ۱- ناعدالتی در سیاست‌های آب: در دوره احمدی‌نژاد، اسناد (مانند بیانیه شبکه تشکل‌ها، ۱۳۹۰ و پست توئیتر فعال محیط‌زیست، ۱۳۹۰) سدسازی (مانند سد گنوند) را به دلیل تخریب معیشت کشاورزان و جابه‌جایی اجباری جوامع محلی «ناعادلانه» توصیف کردند. در دوره روحانی، اسناد (مانند گزارش هم‌میهن، ۱۴۰۰ و پست #خوزستان_تشنه_است) پروژه‌های انتقال آب را به‌عنوان عامل ناعدالتی و تشدید کمبود آب در خوزستان مورد انتقاد قرار دادند گزارش زیتون (۱۳۹۷) و وب‌سایت کلمه (۱۴۰۰) نقش رسانه‌ها و جوامع محلی در تقویت گفتمان‌های جایگزین مانند «حکمرانی عادلانه آب» را نشان دادند. پست‌های شبکه‌های اجتماعی (#بحران_آب، #عدالت_آبی) این گفتمان‌ها را در فضای عمومی تقویت کردند. ۲- ناکافی بودن مشارکت عمومی: بیانیه‌های انجمن آب‌خیزداری و شبکه سمن‌ها

¹ Path Dependency

(۱۳۹۷) سیاست‌های آب دولت روحانی را به دلیل فقدان مشارکت جامعه مدنی و جوامع محلی ناکافی دانستند. گزارش‌های شرق و عصر ایران (۱۳۹۷) تلاش‌های دولت برای گفت‌وگو با جوامع محلی را پوشش دادند، اما این تلاش‌ها را ناکافی توصیف کردند. ۳- اعتراضات اجتماعی و تنش‌ها و مطالبات عدالت آبی: اسناد (گزارش هم‌میهن، ۱۴۰۰؛ گزارش شرق، ۱۳۹۷) اعتراضات آب در خوزستان و اصفهان (۱۳۹۷، ۱۴۰۰) را به‌عنوان واکنشی به سیاست‌های ناعادلانه و کمبود آب توصیف کردند. پست‌های توئیتر و اینستاگرام (۱۴۰۰) نارضایتی عمومی و مطالبات برای تغییر سیاست‌ها را منعکس کردند. اسناد دوره روحانی (بیانیه سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۱۴۰۰؛ پست‌های #عدالت_آبی و #خوزستان_تشنه_است) خواستار «عدالت آبی» بودند، که شامل تخصیص عادلانه منابع، جبران خسارات جوامع متأثر و توقف پروژه‌های انتقال آب بود. بیانیه تشکل‌های محلی خوزستان (۱۴۰۰) بر حقوق جوامع محلی تأکید کرد. ۴- شکاف گفتمان دولتی و غیردولتی: برخلاف گفتمان‌های دولتی (امنیت‌سازی در دوره احمدی‌نژاد و علمی‌فنی در دوره روحانی)، گفتمان‌های غیردولتی بر عدالت اجتماعی، مشارکت، و حقوق محلی تمرکز داشتند. اسناد غیررسمی نشان‌دهنده شکاف بین گفتمان‌های دولتی و مطالبات اجتماعی بودند، که اعتراضات را تشدید کرد.

بحث تطبیقی و مقایسه گفتمان‌ها و پیامدها:

این بخش به مقایسه تطبیقی گفتمان‌های مدیریت بحران آب در دولت‌های احمدی‌نژاد (۱۳۸۴-۱۳۹۲) و روحانی (۱۳۹۲-۱۴۰۰) و دیدگاه‌های غیردولتی (جامعه مدنی، رسانه‌ها، جوامع محلی) می‌پردازد. هدف، شناسایی تفاوت‌ها، شباهت‌ها، و تعاملات بین گفتمان‌های دولتی و غیردولتی در بازنمایی بحران، امنیت‌سازی، و الگوهای حکمرانی آب است، با تأکید بر یافته‌های تحلیل اسناد غیررسمی.

تفاوت‌های گفتمانی و پیامدها:

۱- **سطح متن:** بارزترین تفاوت در سطح متن، در واژگان و استعاره‌های مسلط قابل مشاهده است. گفتمان دولت احمدی‌نژاد به شدت بر واژگانی نظیر «جهاد آبی»، «جنگ آب»، «تهدید وجودی» و «خودکفایی ملی» تأکید داشت. این استعاره‌ها بحران آب را در یک چارچوب امنیتی-نظامی و ملی‌گرایانه قرار می‌دادند. در مقابل، گفتمان دولت روحانی بر مفاهیم «مدیریت یکپارچه حوضه‌های آبریز»، «مدیریت تقاضا»، «دانش‌بنیان» و «تغییر اقلیم» تأکید می‌کرد. در کنار این دو گفتمان رسمی، گفتمان غیردولتی (مثل بیانیه شبکه تشکل‌های محیط‌زیست، ۱۳۹۰؛ پست‌های

#خوزستان_تشنه_است، ۱۴۰۰) از استعاره‌هایی مانند «تشنگی خوزستان» و «عدالت آبی» استفاده کردند، که ناعدالتی در سدسازی و انتقال آب را برجسته می‌کردند. این واژگان گفتمان‌های رسمی نشان‌دهنده تلاشی برای تکنوکراتیک‌سازی و علمی‌سازی مسئله آب بودند. پیامد این تفاوت گفتمانی بر امنیتی‌سازی آشکار بود. گفتمان احمدی‌نژاد به یک امنیتی‌سازی صریح کمک کرد که آب را به «مسئله امنیتی درجه یک» تبدیل کرد. در مقابل، گفتمان روحانی تلاش کرد تا امنیتی‌سازی آب را تلطیف کرده و آن را به سطح «امنیت زیست‌محیطی و معیشتی» کاهش دهد، هرچند «حفظ منابع ملی» همچنان اولویت داشت. در سوی دیگر گفتمان احمدی‌نژاد با امنیت‌سازی صریح، اعتراضات خوزستان (۱۳۹۰) را به دلیل تخریب معیشت محلی برانگیخت (بیانیه شبکه تشکل‌ها). گفتمان روحانی تلاش برای گفت‌وگو داشت، اما ناکافی بودن مشارکت (گزارش شرق، ۱۳۹۷) اعتراضات (۱۳۹۷، ۱۴۰۰) را ادامه‌دار کرد. به عبارتی گفتمان غیردولتی شکاف بین سیاست‌های دولتی و مطالبات محلی را عیان کرد. در حوزه حکمرانی نیز، تمرکز گفتمان احمدی‌نژاد بر «جهاد» به تقویت حکمرانی سلسله‌مراتبی و دولت‌محور انجامید. اما گفتمان روحانی، با تأکید بر «مدیریت یکپارچه» و «مشارکت ذی‌نفعان»، بستری نظری برای حرکت به سمت حکمرانی مشارکتی فراهم آورد، اگرچه در عمل این مشارکت اغلب «ظاهری» باقی ماند. این میراث مادی و سرمایه‌گذاری‌های سیاسی انجام شده، تغییر مسیر واقعی به سمت مدیریت تقاضا را برای دولت روحانی، علی‌رغم تغییرات گفتمانی، بسیار دشوار می‌ساخت. این امر توضیح می‌دهد که چرا، همانطور که در یافته‌های اولیه نیز اشاره شد، «مشارکت ذی‌نفعان محدود بوده و تصمیم‌گیری نهایی همچنان در اختیار دولت باقی مانده است». گفتمان «مشارکت» در دوره روحانی نیازمند بررسی انتقادی است. آیا این یک حرکت واقعی به سمت حکمرانی شبکه‌ای بود یا بیشتر یک راهبرد گفتمانی برای مدیریت نارضایتی‌ها و مشروعیت‌بخشی به تصمیمات دولتی (مشارکت صوری)؟ محدودیت قدرت عملی نهادهایی مانند «شوراهای حوضه‌های آبریز» و تداوم مشکلات ساختاری مانند «عدم هماهنگی نهادها» و «غالب‌بودن تفکر سازه‌ای»، بیشتر مؤید گزینه دوم است. تحلیل گفتمان انتقادی نشان می‌دهد که چگونه این شکاف میان لفاظی و عمل، از طریق سازوکارهای زبانی و کنش‌های گفتمانی حفظ شده است. حتی با کاهش تأکید بر تهدیدات امنیتی آشکار، چارچوب‌بندی «منافع ملی» در مسائل آبی می‌تواند به عنوان شکل پایدار و ظریف‌تری از امنیتی‌سازی عمل کند. این چارچوب‌بندی به دولت اجازه می‌دهد تا در مواقع لزوم، کنترل نهایی را حفظ کرده و سایر ملاحظات (مانند نیازهای

اکولوژیکی محلی یا نظرات واقعی ذی‌نفعان) را نادیده بگیرد. تداوم اعتراضات مرتبط با آب و واکنش دولت به آن‌ها را می‌توان از این منظر نیز تحلیل کرد. هر دو دولت در گفتمان‌های خود از عوامل خارجی (خشکسالی، تغییر اقلیم، تحریم‌ها) استفاده کرده‌اند. تحلیل انتقادی نشان می‌دهد که آیا این عوامل برای توضیح واقعی چالش‌ها به کار رفته‌اند یا گاهی برای انحراف مسئولیت از کاستی‌های سیاستی و مدیریتی. گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس به مسائل سیستمی سیاست‌گذاری و حکمرانی اشاره دارند که فراتر از عوامل خارجی هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد که دولت روحانی بیشتر بر عوامل طبیعی و «سوءمدیریت گذشته» تأکید می‌کرد، در حالی که دولت احمدی‌نژاد گاه به «دشمن خارجی» نیز اشاره داشت.

۲- سطح کنش گفتمانی: تفاوت در مکان‌های تولید گفتمان و بافت مصرف آن نیز چشمگیر

بود. در دوره احمدی‌نژاد، سخنرانی‌های عمومی و هیجانی رئیس‌جمهور اصلی‌ترین مجاری تولید گفتمان بودند. سخنرانی‌های عمومی رئیس‌جمهور با پیوند آب به گفتمان «مقاومت» و «عدالت‌گستری» تولید شد، که نقد عمومی را محدود کرد در مقابل، دولت روحانی تلاش کرد تا گفتمان خود را در نشست‌های تخصصی و کنفرانس‌های علمی شکل دهد. گفتمان در نشست‌های تخصصی (مانند شوراها، آبریز) و کنفرانس‌های علمی شکل گرفت، که فضایی برای بحث فنی ایجاد کرد این تغییر در مکان تولید گفتمان، گشایش نسبی در حوزه عمومی کارشناسی را زمینه‌سازی کرد و امکان بحث‌های فنی‌تر پیرامون مدیریت آب را فراهم آورد. این درحالی است که گفتمان غیر دولتی در بیانیه‌های سمن‌ها (انجمن آب‌خیزداری، ۱۳۹۷) و پست‌های شبکه‌های اجتماعی (#بحران_آب، ۱۳۹۷) از طریق رسانه‌های مستقل و دیجیتال منتشر شدند، که گفتمان‌های جایگزین مانند «حکمرانی عادلانه» را تقویت کردند (گزارش زیتون، ۱۳۹۷). پیامدهای گفتمان احمدی‌نژاد مشارکت عمومی را سرکوب کرد. گفتمان روحانی گشایش نسبی ایجاد کرد، اما مشارکت مشورتی بود (بیانیه سمن‌ها، ۱۳۹۷). گفتمان غیردولتی با رسانه‌های نوین، مطالبات محلی را به حوزه عمومی آورد.

۳- سطح کنش اجتماعی: در سطح کنش اجتماعی، دولت احمدی‌نژاد بحران آب را یک «تهدید

وجودی» برای «امنیت ملی» بازنمایی می‌کرد که نیازمند «اقدامات جهادی» بود و افزایش تمرکز قدرت در دستان دولت را تقویت کرد. این امر، زمینه‌ساز نادیده گرفتن اعتراضات اجتماعی بود. در مقابل، دولت روحانی بحران آب را بیشتر به عنوان یک «چالش زیست‌محیطی» و «معیشتی» بازنمایی می‌کرد و

در واکنش به اعتراضات اجتماعی، تلاش می‌شد تا با «گفت‌وگو» به آن‌ها پاسخ داده شود. در نتیجه، عاملیت جامعه مدنی که در دوره احمدی‌نژاد تضعیف شده بود، در دوره روحانی تا حدودی به رسمیت شناخته شد، هرچند این تعامل بیشتر در سطح «مدیریت اعتراض» بود تا «مشارکت واقعی در تصمیم‌گیری». در سوی دیگر گفتمان غیردولتی، اعتراضات را واکنشی به ناعدالتی و فقدان مشارکت دانستند، که عاملیت جامعه مدنی را تقویت کرده. در نتیجه پیامدهای گفتمان احمدی‌نژاد جامعه مدنی را تضعیف کرد. گفتمان روحانی عاملیت آن را تا حدی به رسمیت شناخت، اما ناکافی بود (گزارش کلمه، ۱۴۰۰) و گفتمان غیردولتی با مطالبات «عدالت آبی»، گفت‌وگوی عمومی را گسترش داد.

شباهت‌های پنهان و تداوم ساختاری: با وجود تفاوت‌های آشکار، گفتمان هر دو دولت، شباهت‌های مهمی را نیز نشان می‌دهد که حاکی از تداوم ساختارهای ریشه‌دار حکمرانی آب در ایران است: ۱- غلبه رویکرد توسعه‌گرایی هیدرولوژیکی (هرچند با شدت متفاوت): دولت احمدی‌نژاد به صراحت بر توسعه سخت‌افزاری، سدسازی و انتقال آب تأکید داشت. دولت روحانی نیز، علی‌رغم تأکید گفتمانی بر «مدیریت تقاضا»، در عمل بسیاری از پروژه‌های بزرگ آغاز شده در دوره‌های قبل را ادامه داد. این نشان می‌دهد که پایه‌های فکری توسعه‌گرایی هیدرولوژیکی سخت‌افزاری همچنان پایرجا بود. گفتمان غیردولتی (بیانیه شبکه تشکل‌ها، ۱۳۹۰) این رویکرد را عامل تخریب محیط‌زیست و معیشت دانستند. پیامد مشترک این رویکرد، فشار بر منابع آبی و تشدید تنش‌های آبی-اجتماعی بود. ۲- تمرکزگرایی و ضعف حکمرانی شبکه‌ای در عمل: با وجود تأکید گفتمان دولت روحانی بر «مشارکت ذی‌نفعان»، قدرت تصمیم‌گیری نهایی همچنان در دست نهادهای دولتی باقی ماند. این بدان معناست که ماهیت حکمرانی، همچنان سلسله‌مراتبی و از بالا به پایین بود و اصول واقعی حکمرانی شبکه‌ای محقق نشد. پیامد مشترک این تمرکزگرایی، نادیده گرفته شدن دانش بومی و دغدغه‌های جوامع محلی بود. شکاف میان گفتمان مشارکتی (به ویژه در دوره روحانی) و عملکردهای متمرکز، یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش است. این شکاف را می‌توان به عواملی چون رسوب فرهنگ تکنوکراتیک و مهندسی محور در وزارتخانه‌های کلیدی مانند وزارت نیرو، و همچنین منافع قدرتمند اقتصادی و سیاسی مرتبط با پروژه‌های بزرگ آبی نسبت داد که در برابر تغییرات ساختاری مقاومت می‌کنند. اسناد غیردولتی (بیانیه سمن‌ها، ۱۳۹۷) هم تمرکزگرایی را مانع مشارکت واقعی توصیف کردند. ۳- تداوم امنیتی سازی ضمنی: اگرچه گفتمان دولت روحانی تلاش کرد تا امنیتی سازی آب را از حالت صریح «تهدید ملی» خارج کند، اما همچنان در مواقع بحرانی و بروز اعتراضات، گرایش به چارچوب‌بندی مسائل آب در

قالب «امنیتی» دیده می‌شد. این امنیتی سازی (صریح یا ضمنی)، در هر دو دوره، زمینه ساز محدود شدن حوزه عمومی برای نقد و گفت‌وگوی آزادانه شد. امنیتی سازی به عنوان یک «سازوکار بازگشت» برای دولت عمل می‌کند؛ زمانی که رویکردهای دیگر حکمرانی با چالش مواجه می‌شوند یا بحران‌ها تشدید می‌یابند، دولت به چارچوب‌های امنیتی برای بازپس‌گیری کنترل و مشروعیت‌بخشی به اقدامات اضطراری متوسل می‌شود. این پدیده توضیح می‌دهد که چرا حتی در دوره روحانی، با گفتمانی کمتر امنیتی، کنترل نهایی در دست دولت باقی ماند. اسناد غیردولتی (پست‌های #خوزستان_تشنه_است، ۱۴۰۰) هم این رویکرد را محدودکننده نقد عمومی دانستند.

پاسخ به پرسش اصلی پژوهش و جمع‌بندی:

براساس یافته‌های این پژوهش، گفتمان‌های دو دولت در چارچوب‌بندی بحران آب، فرایندهای امنیتی سازی و الگوهای حکمرانی تفاوت‌ها و شباهت‌های معناداری داشتند: ۱- چارچوب‌بندی بحران آب: دولت احمدی‌نژاد بحران آب را عمدتاً به مثابه یک «تهدید امنیتی-ملی و وجودی» با تأکید بر راه‌حل‌های سخت‌افزاری بازنمایی می‌کرد. در مقابل، دولت روحانی آن را بیشتر به عنوان یک «چالش پیچیده علمی، مدیریتی و زیست‌محیطی» با تأکید بر راه‌حل‌های نرم‌افزاری و مدیریت تقاضا چارچوب‌بندی می‌کرد. ۲- پیامدها بر فرایندهای امنیتی سازی: گفتمان دولت احمدی‌نژاد زمینه ساز «امنیتی سازی صریح و تمام‌عیار» شد. دولت روحانی تلاش کرد تا این فرایند را «تلطیف و غیرصریح» سازد، اما نگاه امنیتی-کنترلی به آب، به‌ویژه در مواقع بحرانی، تداوم یافت. ۳- پیامدها بر الگوهای حکمرانی آب: گفتمان دولت احمدی‌نژاد به تقویت «حکمرانی سلسله‌مراتبی و دولت‌محور» انجامید. دولت روحانی به طور نظری به سمت «حکمرانی مشارکتی و شبکه‌ای» گرایش داشت، اما در عمل، مشارکت «ظاهری و مشورتی» باقی ماند و قدرت نهایی تصمیم‌گیری در دست دولت بود. ۴- این پژوهش نشان داد که علی‌رغم تغییرات گفتمانی، به‌ویژه در دوره روحانی، ساختارهای ریشه‌دار حکمرانی و الگوهای ذهنی مسلط (مانند تفکر سازه‌ای و تمرکزگرایی) مانع از تحولات بنیادین در عمل شدند. این یافته، اهمیت در نظر گرفتن همزمان ابعاد گفتمانی و ساختاری را در تحلیل سیاست‌گذاری منابع طبیعی برجسته می‌سازد.

¹ fallback mechanism

نقاط قوت و محدودیت‌های گفتمان‌ها: ۱- در گفتمان احمدی‌نژاد، نقطه قوت توانایی بسیج منابع در کوتاه‌مدت بود، اما محدودیت‌های آن شامل نادیده گرفتن پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی، تشدید بحران بلندمدت، و تضعیف مشارکت مردمی بود. ۲- در گفتمان روحانی، نقاط قوت پذیرش پیچیدگی بحران، تلاش برای استفاده از دانش کارشناسی و گرایش به رویکردهای پایدار بود. اما محدودیت‌های آن شامل عدم توانایی در غلبه بر ساختارهای ریشه‌دار و ضعف در عملیاتی کردن واقعی مشارکت بود.

پیشنهاد‌های سیاسی و پژوهشی: بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد‌های سیاسی زیر برای ارتقای مدیریت بحران آب در ایران ارائه می‌شود: ۱- گذار از امنیتی سازی به حکمرانی مشارکتی و فنی: ضروری است که بحران آب از یک «مسئله امنیتی» که نیازمند راه‌حل‌های اضطراری و متمرکز است، به یک «چالش توسعه‌ای پیچیده» با ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی بازتعریف شود. این امر مستلزم غیرسیاسی کردن مباحث فنی تا حد امکان و ایجاد فضایی برای گفت‌وگوی باز و مشارکت مؤثر تمامی ذی‌نفعان است. ۲- تقویت واقعی حکمرانی شبکه‌ای و مشارکت ذی‌نفعان: باید از «مشارکت صوری» فراتر رفت و به سمت توزیع واقعی قدرت و تصمیم‌گیری مشترک در سطح حوضه‌های آبریز حرکت کرد. این امر نیازمند اصلاحات نهادی است که اصول مشارکتی را در وظایف عملیاتی وزارتخانه‌های کلیدی نهادینه کند، نه صرفاً در نهاد‌های مشورتی. عملکرد مدیران آبی باید بر اساس موفقیت در جلب مشارکت ذی‌نفعان و دستیابی به اهداف حفاظت از آب سنجیده شود، نه فقط تکمیل پروژه‌ها. شوراهای حوضه‌ای باید از اختیارات عملی، منابع کافی و استقلال لازم برای تأثیرگذاری واقعی برخوردار شوند و سازوکارهایی برای رفع «عدم هماهنگی بین دستگاه‌های متولی» از طریق همکاری‌های شبکه‌ای ایجاد گردد. ۳- اولویت‌بندی قاطع مدیریت تقاضا و افزایش بهره‌وری آب: سیاست‌های آبی باید به طور قاطع از رویکرد «افزایش عرضه» (مانند سدسازی بی‌رویه) به «مدیریت تقاضا و ارتقای بهره‌وری» (به‌ویژه در بخش کشاورزی که بیشترین مصرف آب را دارد) تغییر یابند. این امر نیازمند سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین آبیاری، اصلاح الگوی کشت، اصلاح قیمت‌گذاری آب به گونه‌ای که کمپایی آن را منعکس کند، و کاهش آب بدون درآمد است. قوانین موجود در زمینه افزایش بهره‌وری کشاورزی باید با جدیت بیشتری پیگیری و اجرایی شوند. ۴- بازنگری در گفتمان رسمی و ارتقای سواد آبی عمومی: دولت‌ها باید گفتمان‌هایی شفاف، مبتنی بر علم و فراگیر اتخاذ کنند. کارزارهای آگاهی‌بخشی عمومی برای ایجاد درک مشترک از بحران و ترویج اخلاق حفاظت از آب،

فراتر از مقصربای (مانند «کشاورز متخلف»)، ضروری است.

پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی: ۱- تحلیل گفتمان بازیگران غیردولتی: بررسی گفتمان جامعه مدنی، کشاورزان، فعالان محیط‌زیست و رسانه‌ها در مواجهه با بحران آب. ۲- تحلیل گفتمان آب در دولت‌های بعدی: بررسی گفتمان دولت سیزدهم (رئیس) و مقایسه آن با دوره‌های پیشین. ۳- مطالعه موردی حکمرانی آب در حوضه‌های خاص: تحلیل عمیق‌تر یک یا چند حوضه آبریز مانند زاینده‌رود یا ارومیه با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان و حکمرانی شبکه‌ای. ۴- بررسی نقش رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی در گفتمان آب: چگونگی به چالش کشیدن یا تقویت روایت‌های مسلط توسط این رسانه‌ها. ۵- تحلیل مقایسه‌ای بین‌المللی: مقایسه گفتمان و حکمرانی آب ایران با سایر کشورهای خشک و نیمه‌خشک. ۶- مطالعات کمی-کیفی: ترکیب تحلیل گفتمان کیفی با روش‌های کمی (مانند تحلیل شبکه‌های اجتماعی یا نظرسنجی) برای اعتبارسنجی و غنای یافته‌ها. ۷- تحلیل تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر گفتمان و سیاست‌گذاری آب: چگونگی تأثیر تحریم‌ها بر گزینه‌های سیاستی یا چارچوب‌های گفتمانی. ۸- تحلیل طولی امنیتی سازی آب: بررسی چگونگی تحول اشیاء ارجاعی و ماهیت امنیتی سازی آب در ایران در طول چندین دهه و دولت‌های مختلف، برای درک عمیق‌تر پویایی‌های بلندمدت گفتمان امنیتی پیرامون آب.

منابع

- آذرخشی، مریم؛ فرزاد مهر، جلیل؛ اصلاح، مهدی؛ و صحابی، حسین. (۱۳۹۲). بررسی روند تغییرات سالانه و فصلی بارش و پارامترهای دما در مناطق مختلف آب و هوایی ایران. مرتع و آبخیزداری، ۶۶(۱)، ۱-۱۶.
- بابایی فینی، ام‌السلمه؛ و فرج زاده، منوچهر. (۱۳۸۱). الگوهای تغییرات مکانی و زمانی بارش در ایران. پژوهش‌های جغرافیایی، ۶(۴)، ۶۲-۷۵.
- بنیاد، لیلا؛ و زارع شهابادی، اکبر. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی برنامه‌های پنجم و ششم توسعه در بخش آب. آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، ۱۲(۲)، ۱۲۹-۱۴۴.
- بنیاد، لیلا؛ و زارع شهابادی، اکبر. (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان برنامه اول و دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران در بخش آب. راهبردهای کلان و راهبردی، ۱۱(۲)، ۴۳۲-۴۱۰.
- چمنندی، مریم؛ و آذری، حسین. (۱۴۰۲). حفاظت از منابع آب زیرزمینی: زنان به عنوان کنشگران (نگاهی به گزارش سازمان ملل). تحقیقات منابع آب ایران، ۱۹(۳)، ۱۰۳-۹۲.
- خانیک، هادی؛ و موسوی، سیده ثریا. (۱۳۹۸). بازنمایی مسئله آب ایران در روزنامه‌ها؛ تحلیل محتوای روزنامه‌های ایران، شرق، دنیای اقتصاد، و کیهان از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷. مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۱(۴)، ۱۹۹-۱۶۷.
- صالحی، صادق؛ فیروزجائیان، علی اصغر؛ و غلامرضازاده، فاطمه. (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان زیست محیطی برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۶(۲۱)، ۷۱-۹۶.
- سردارنیا، خلیل‌اله. (۱۴۰۳). ارزیابی مقایسه‌ای و انتقادی گونه‌های فراحکمرانی و حکمرانی شبکه‌ای، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۱)، ۸۹-۱۱۰.

- طالبی صومعه‌سرای، مهشید؛ ملکی، امیر؛ و عسکریان چایجان، میثم. (۱۴۰۳). ارزیابی و آسیب‌شناسی گفتمان‌های مسلط بر حکمرانی آب کشور در پنج دهه اخیر از منظر سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری. جامعه و محیط زیست، ۱۲(۲)، ۴۸-۱۹.
- ملکی، امیر؛ صالحی، صادق؛ کریمی، لیلا؛ و شیرینی، سید محمد. (۱۴۰۱). تحلیل گفتمان قانون توزیع عادلانه آب در ایران. آب و توسعه پایدار، ۹(۱)، ۷۴-۶۱.
- ویسی، هادی. (۱۴۰۳). تأثیر سیاست‌های رشد بر تنش آبی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۶(۴)، ۱۰۲-۸۳.
- یوسفیان، الهه؛ دانش فرد، کرم‌اله؛ و فقیهی، ابوالحسن. (۱۴۰۳). طراحی الگوی سیاست‌گذاری منابع آبی کشور با رویکرد شناسایی آسیب‌ها و ارائه راهبردهایی جهت ارتقای بهره‌وری صنعت آب کشور. مدیریت بهره‌وری، ۶۹، ۷۲-۲۸.
- Arendt, H. (1958). *The human condition*. University of Chicago Press.
- Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: A new framework for analysis*. Lynne Rienner Publishers.
- Fairclough, N. (1995). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. Longman.
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. Polity Press.
- Habermas, J. (1984). *The theory of communicative action, Vol. 1: Reason and the rationalization of society*. Beacon Press.
- Pahl-Wostl, C. (2009). A conceptual framework for analysing the dimensions of water governance. *Water Resources Management*, 23(3), 2483-2497.
- Provan, K. G., & Kenis, P. (2008). Modes of network governance: Structure, management, and effectiveness. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 8(2), 229-252.
- Wæver, O. (1995). Securitization and desecuritization. In R. Lipschutz (Ed.), *On security* (pp. 46-86). Columbia University Press.
- Wodak, R., & Meyer, M. (Eds.). (2009). *Methods of critical discourse analysis* (2nd ed.). Sage.